

گاه رَپیتوین، زمان آرمانی در دین مزدیسنی

فرزانه گشتاسب*

چکیده

ایزد رَپیتوین یکی از ایزدان بسیار مهم دین زرتشتی است. این ایزد موکل بخشی از زمان است که آن را «گاه رَپیتوین» می‌نامند. گاه رَپیتوین در اساطیر زرتشتی بیان‌گر کیفیتی از زمان است که می‌توان آن را وضعیت آرمانی نامید. این گاه هم لحظه آغازین آفرینش است و هم لحظه انجامین رستاخیز؛ و هم لحظه‌ای است که سودرسانان موعود (سوشیانت‌ها) ظهور می‌کنند. نماد این جهانی گاه رَپیتوین، هنگام ظهر و یکی از بخش‌های پنج‌گانه روز است. اسطوره ایزد رَپیتوین در مناسک زرتشتی بازتابی روشن و شگفت به‌جای گذاشته است. برای بدرقه او در آغاز زمستان بزرگ، صد روز پیش از بازگشت او به روی زمین و نیز اول فروردین، که هنگام بازگشت دوباره اوست، آیین‌هایی برای این ایزد برگزار می‌شود. مراسم رَپیتوین در اول فروردین را می‌توان جشن بزرگ‌داشت هفتمین آفرینش یعنی جشن پیدایش آتش نامید. «جشن سده»، که به پیشواز بازگشت رَپیتوین می‌رود و به مناسبت کشف آتش برگزار می‌شود، و دیگر نیایش‌ها و آیین‌های مربوط به ایزد رَپیتوین این نظریه را تقویت می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: رَپیتوین، جشن سده، زمان آرمانی، آیین‌های زرتشتی.

مقدمه

در جاودان خرد، مکان و زمان از شروط عالم جسمانی شمرده می‌شود که گرچه با کمیت آمیخته‌اند ولی از تعینات کیفی خالی نیستند. ذات زمان بیش از ذات مکان از جنبه‌های کیفی

* استادیار پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی f_goshtasb@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۵/۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۷/۱۴

برخوردار است و به‌همین دلیل تعینات کیفی آن بیش‌تر است و بهتر می‌تواند بستر ظهور پدیدارهای لطیف گردد (گنون، ۱۳۸۴: ۴۲-۴۷).

این نظر به‌خصوص آن‌جایی به‌کار می‌آید که بخواهیم به رموز مکان و زمان در عقاید سنتی دست یابیم، چراکه در بینش‌های سنتی حالتی به زمان و مکان نسبت داده می‌شود که، بدون توجه به جنبه کیفی آن‌ها، هیچ‌گونه دسترسی به این رموز حاصل نمی‌شود. در این مقاله، یکی از تعینات کیفی زمان، که آن را «زمان آرمانی» نیز نامیده‌اند، در دینِ مزدیسنی^۱ توصیف می‌شود. زمان آرمانی زمانی است که اسطوره آفرینش زرتشتی حول محور آن شکل می‌گیرد و، در بازگشت هستی به اصل آغازین خود نیز، همین «زمان» است که اتصال را کامل می‌کند. زمان آرمانی در دین مزدیسنی گاهِ رَیتوین^۲ نام دارد.

رَیتوین

رَیتوین، در سنت زرتشتی، هم نام یکی از پنج گاه روز و هم نام ایزدی است که سرپرستی این بخش از زمان را برعهده دارد. نخستین بار نقش این ایزد، در اسطوره آفرینش زرتشتی، نمایان می‌شود:

تا پیش [از آن] که اهریمن آمد، همیشه نیم‌روز بود که رَیتوین است. اورمزد با [یاری] امشاسپندان، به رَیتوین [گاه]، مینوی یزشن را فراز ساخت. به [هنگام] یزشن کردن، همه آفریدگان را بیافرید و با بوی و فروهر مردمان بسگالید و خرد همه‌آگاه را به مردمان فراز برد و گفت: کدام شما را سودمندتر در نظر آید؟ اگر شما را به‌صورت مادی بیافرینم و به تن با دروج بکشید [و بجنگید] و دروج را نابود کنید، [آن‌گاه] شما را به فرجام درست و انوشه بازآریم و باز شما را به گیتی آفرینم، جاودانه بی‌مرگ، بی‌پیری و بی‌دشمن باشید؛ یا شما را جاودانه پاسداری [از] اهریمن باید کرد؟ ایشان، بدان خرد همه‌آگاه، [آن] بدی را، [که] از اهریمن دروج بر فروهرهای مردمان در جهان رسد، دیدند و رهایی واپسین از دشمنی پتیاره، و به تن پسین جاودانه، درست و انوشه بازبودن را [دیدند] و برای رفتن به جهان هم‌داستان شدند (بهار، ۱۳۶۹: ۵۰).

و به‌این ترتیب جهان مادی در گاهِ رَیتوین آفریده شد. در همین گاه، در روز اورمزد و ماه فروردین بود که اهریمن نخستین بار به هستی اهوراداده (آفریده اهورا) حمله کرد (راشدمحصل، ۱۳۸۵: ۳۷؛ بهار، ۱۳۶۹: ۵۲، ۵۷) و هستی آمیخته پدید آمد که، پیش از فرارسیدن رستاخیز، به‌گونه‌ای نمادین سه بار شاهد ظهور منجی خواهد بود: هنگام حضور

نخستین منجی، اوشیدر، خورشید به مدت ده روز در نیمروز یعنی گاه رَپیتوین بایستد؛ هنگام حضور دومین منجی، اوشیدرماه، این زمان به بیست روز؛ و در ظهور سومین و آخرین منجی، سوشیانت، به سی روز خواهد رسید.^۳ رستاخیز نیز در همین گاه به پایان می‌رسد و دیگر بار جهان کامل، درست مانند صورت آغازین خود، بازساخته می‌شود.^۴ شش هزار سال پس از روزی که اهریمن به سوی آفرینش تاخت، نشان رستاخیز آشکار می‌شود. در روز آشتاد^۵ و گاه اُزیرن از ماه اسفند، سوشیانت به‌عنوان زوت، و با همراهی شش فرشگردکردار، یشت فرشگرد کرداری را می‌سرایند، مانند همان «مینوی یزشن» که، در آغاز آفرینش، اورمزد به همراهی امشاسپندان فراز ساخته بود (بهار، ۱۳۶۹: ۵۰). این یشت روزی پنج بار خوانده می‌شود و تا پنج روز ادامه می‌یابد. هر روز یک پنجم از درگذشتگان برمی‌خیزند و، هنگامی که آخرین یزشن در گاه رَپیتوین از آه‌نودگاه^۶ سروده شود، رستاخیز آفریدگان کامل خواهد شد (راشد محصل، ۱۳۸۵: ۱۰۲-۱۰۴).

در پنج روز هَمَس پَت مَدَم، اورمزد به همراهی ایزد سروش از سوی مرز نیمروز (= جنوب) فرا خواهد رسید و واپسین داوری را در میان پرهیزکاران و گناهکاران انجام خواهد داد (همان: ۱۰۴-۱۰۶).

در گاه هاون از روز اورمزد و ماه فروردین، سپندارمذ درست اندیش، که مانند مادری برای آفریدگان است، نخستین بار رحمت اورمزد را درخواست می‌کند و از او می‌خواهد که پرهیزکاران، نه بدان چهره‌ای که درگذشتند، بلکه با تنی روشن و بی‌عیب و نقص به زمین بازگردند و گناهکاران نیز از دوزخ رهایی یابند (همان: ۱۰۶-۱۰۷)؛ و این چنین است که طومار اهریمن به تمامی درهم می‌پیچد و جهان همه نور می‌شود و آفریدگان به میزان خویشکاری خود از این ثور بهره‌مند می‌شوند^۷ و، در همین روز، در گاه رَپیتوین فرشگرد به پایان می‌رسد.

بنابراین گاه رَپیتوین هم زمانی است که آفرینش مقدس خیر هستی می‌یابد و هم زمانی است که پیروزی فرجامین خیر حاصل می‌شود. به همین دلیل، ساعاتی از روز که تجلی خیر محض^۸، سپته‌مینو، به اوج نور و گرمای خود می‌رسد، در تملک ایزد رَپیتوین است.

در میان فصول سال نیز، فصل تابستان متعلق به اوست^۹. ایزد رَپیتوین، در آغاز زمستان بزرگ پنج‌ماهه، به زیر زمین می‌رود تا ریشه درختان و آب‌های زیرزمینی را گرم نگاه دارد و، در آغاز تابستان بزرگ هفت‌ماهه، به روی زمین بازمی‌گردد (بهار، ۱۳۶۹: ۱۰۶)؛ به همین سبب، در سنت زرتشتی دو بار برای ایزد رَپیتوین آیین یزش برپا می‌شود: یک‌بار

هنگام رفتن او به زیر زمین و باردیگر هنگام بازگشتش در آغاز فروردین. آیین وداع با ریتوین در آخرین روز ماه مهر (روز انارام و مهرماه) انجام می‌شود و پس از آن، در پنج ماه فصل زمستان بزرگ، گاه ریتوین حذف و نیایش‌های او به مهر، ایزد حامی گاه‌هاون، پیشکش می‌شود (Boyce, 1969: 212).

ریتوین، در میان جهت‌های چهارگانه، سرور جنوب است^{۱۰} و شاید به همین سبب ایرانیان منطقه جنوب را «نیم‌روز» نامیده‌اند و، چنان‌که می‌دانیم، جنوب در سنت زرتشتی اهمیتی ویژه یافته است. در نوشته‌های پهلوی، جنوب جایگاه تابستان است^{۱۱}. دریای فراخکرت، که یک سوم از زمین را در بر می‌گیرد، در ناحیه نیم‌روز و در کناره کوه البرز قرار دارد (بهار، ۱۳۶۹: ۷۳). جمشید، در هنگام ریتوین، به سوی جنوب، در راه خورشید، زمین را گسترش می‌دهد (وندیداد، فرگرد دوم، بندهای ۱۰، ۱۴، ۱۸؛ ← مقدم، ۱۳۶۳: ۹۲-۹۳). اورمزد در رستاخیز، در روز آه‌نود، از مرز نیم‌روز برای داوری نهایی فرامی‌رسد (راشدمحصل، ۱۳۸۵: ۱۰۴). از سوی جنوب است که بادهای خوش‌بو برای خوش‌آمدگویی به روانی که تازه از جهان مادی در گذشته است فرا می‌رسند (میرفخرایی، ۱۳۸۶: ۶۲) و بهمن، فرشته وحی، نیز از سوی نیم‌روز به چشم زرتشت می‌آید^{۱۲}. هنگامی که هر به‌دین، در گاه ریتوین، نمازهای خورشیدنیایش و مهرنیایش را می‌خواند باید جمله imā raočā barēzištēm barēzimanāqم را نیز زمزمه کند و، وقتی این کلمات، که در یسنای ۶/۳۶ و ۲۳/۶۸ نیز آمده‌اند، در مراسم یسنا، ویسپرد و وندیداد، زمزمه می‌شوند، راسپی نیز مانند زوت به سوی جنوب می‌چرخد (Boyce, 1969: 204, note 26).

همکاران ایزد ریتوین

ایزد ریتوین یکی از همکاران «آردیبهشت» امشاسپند است^{۱۴}. این امشاسپند، مانند ریتوین، دشمن زمستان است (ibid: 203)، در قطعه‌ای پازند به نام «آفرین دهمان»، آردیبهشت و همکارانش، آذر و سروش و بهرام، نابودکننده دروج (دیو) زمستان هستند (Antia, 1909: 87). و در دینکرد ششم وظیفه ریتوین به آردیبهشت نسبت داده شده است^{۱۵}.

با این‌که روز بازگشت ایزد ریتوین به روی زمین روز اورمزد و فروردین ماه است، ولی جشن اصلی ریتوین، سه روز بعد، در روز آردیبهشت برگزار می‌شود (Boyce, 1969: 205; Modi 1995: 431) و موبدان آتش بهرام هند، سه روز نخست ماه فروردین، روزهای اورمزد

و بهمن و آردیبهشت را کاملاً به این ایزد اختصاص داده‌اند و هیچ مراسم یا آیین دیگری، به‌جز برای این ایزد، انجام نمی‌دهند (Boyce, 1969: 205).

نخستین آفرینگان این جشن به نام آردیبهشت آمشاسپند خوانده می‌شود و از نیایش‌هایی که زرتشتیان خواندندش را در این جشن واجب می‌دانند «آردیبهشت یشت» است. بویس احتمال می‌دهد برگزاری جشن رَپیتوین در روز آردیبهشت از ماه آردیبهشت، در کرمان (سروشیان، ۱۳۵۶: ۵۴)، به دلیل پیوند محکم ایزد رَپیتوین با آردیبهشت است (ibid: 210).

آشکار است که ایزد رَپیتوین با آتش و ایزدانی که موکل بر آتش هستند پیوندی ناگسستنی دارد. آردیبهشت، که از میان موجودات مادی آتش به او تعلق دارد، با ایزدان آذر، سروش و بهرام همکار است^{۱۶} و بنابراین همکاران آردیبهشت همکاران رَپیتوین نیز به‌شمار می‌آیند. در نماز رَپیتوین گاه و یسنا، قطعاً ۶/۳ و ۳/۶، ایزد آذر نیز همراه با آردیبهشت به همکاری با رَپیتوین فراخوانده می‌شود^{۱۷} (پورداود، ۱۳۵۶: ۱/۱۳۳، ۱۴۶). در بندهش نیز آتش‌افروزی فصل زمستان به رفتن «مینوی رَپیتوین» به زیر زمین ارتباط داده شده است:

به ماه آبان بهیژگی، روز اورمزد، زمستان زور گیرد، به جهان در آید، مینوی رَپیتوین از روی زمین به زیر زمین شود، آن‌جا که چشمه آب‌هاست. گرمی و خویدی را به آب درفرستد، تا ریشه درختان به سردی و خشکی نخشکد. ما دی بهیژگی، روز آذر، همه جا آتش افروزند و نشان کنند که زمستان آمد. بدان پنج ماه [که] آب چشمه همه گرم است، زیرا رَپیتوین آن‌جا را به گرمی و خویدی دارد، گاه رَپیتوین را نستانند (بهار، ۱۳۶۹: ۱۰۶).

سروش همکار دیگر ایزد رَپیتوین است. در جشن رَپیتوین سومین دیباجه آفرینگان رَپیتوین به خشنومن ایزد سروش خوانده می‌شود. اقامتگاه سروش نیز در ناحیه جنوب قرارداد و در روز آه‌نود، نخستین روز از رستاخیز، اورمزد به‌همراه سروش پرهیزکار از مرز نیم‌روز (جنوب) برای داوری فرامی‌رسند (راشدمحصل، ۱۳۸۵: ۱۰۴).

آیین‌های وابسته به ایزد رَپیتوین

بنابر اسطوره آفرینش زرتشتی، نخست آسمان و سپس آب، زمین، گیاه، چهارپا، انسان و در پایان آتش آفریده شده است. در روایات بندهشی، جشن‌های گاهنبار به شش آفرینش نخست نسبت داده شده‌اند و درباره زمان آفرینش آتش سخنی نیامده است. نظر نگارنده این است که جشن رَپیتوین در روز اورمزد و ماه فروردین، جشن آفرینش آتش و در

ادامه جشن‌های گاهنبار بوده است که، به دلیل وظایف و نقش اساطیری این ایزد، جشن بازگشت او با رستاخیز طبیعت و جشن نوروز هم‌زمان گشته است. جشن سده آیین دیگری است که با جشن رَپیتوین در ارتباط است و زرتشتیان دو تاریخ برای برگزاری آن دارند (Boyce, 1976: 28).

به نظر می‌رسد این جشن در اساطیر ایرانی به درستی جشن کشف آتش نام گرفته است و به احتمال این مناسبت را باید قدیمی‌ترین و اصیل‌ترین دلیل برای آتش‌افروزی در این روز به‌شمار آورد.^{۱۸}

شواهد آیینی ارتباط جشن رَپیتوین را با گاهنبارها (جشن‌های بزرگداشت آفرینش) را تأیید می‌کند. آیین رَپیتوین، در کنار گاهنبارها، از جمله رسومی است که اجرای آن‌ها برای بهدینان واجب دانسته شده است و کوتاهی در انجام آن‌ها سبب گناه «پُل» می‌شود؛^{۱۹} از سوی دیگر در کتاب *خرده‌وستا* آفرینگان رَپیتوین در کنار آفرینگان گات‌ها/ فروردگان و آفرینگان گاهنبار قرار گرفته است که در شش چهره گاهنبار خوانده می‌شوند.^{۲۰} رسوم کنونی زرتشتیان نیز نشان می‌دهد که بهدینان برای جشن رَپیتوین مانند گاهنبارها جایگاه آیینی ویژه‌ای قائل بوده‌اند. زرتشتیان ایران که بیش‌ترشان تا حدود پنجاه سال پیش تنها از تقویم قدیم (بدون کیسه) پیروی و تمامی گاهنبارها را براساس همین تقویم برگزار می‌کردند، نخستین روز فروردین را نه به نام جشن نوروز بلکه به نام رَپیتوین می‌شناختند و جشن نوروز را، که ویژگی آن کشیدن سفره نوروزی است، در اول فروردین سال خورشیدی برگزار می‌کردند. تا مدتی پیش، زرتشتیان اول فروردین را، در تقویم قدیم و بدون کیسه، «نوروز مردگان» می‌نامیدند.^{۲۱} (مزدآپور، ۱۳۸۳: ۱۶۸). دلیل این امر این است که آیین‌هایی که برای فروشی درگذشتگان در ده روز فروردیگان^{۲۲} انجام می‌شد، در روزهای اول ماه فروردین نیز، ادامه می‌یافت. یکی از این آیین‌ها این بود که اولین روز سال جدید به محل دخمه‌ها می‌رفتند و در آن‌جا مراسم مذهبی برگزار می‌کردند.^{۲۳}

جشن رَپیتوین، در آغاز ماه فروردین، به یمن بازگشت شادمانه ایزد رَپیتوین برگزار می‌گردد (بهار، ۱۳۶۹: ۱۰۶). چنان‌که پیش‌تر گفته شد، در سنت زرتشتی، خوش‌آمدگویی به این ایزد از واجبات آیینی است. مراسم اصلی این جشن، در روز آردیبهشت از فروردین ماه (سومین روز ماه فروردین)، برگزار می‌شود. در بین زرتشتیان هند، در گاه رَپیتوین از روز آردیبهشت، آیین یسناخوانی به نام آردیبهشت امشاسپند انجام می‌شود.

ویژگی خاص آیین ریتوین این است که همه موبدان با زوت و راسپی در یسناخوانی همراه می‌شوند و، هم‌پیوند^{۲۴} با یک‌دیگر، تا پایان مراسم، نیایش‌ها را هم‌صدا می‌خوانند. پس از این آیین، که در درب‌مهر (آتشکده) انجام می‌شود، آفرینگان‌خوانی^{۲۵} در تالاری عمومی و با حضور همه موبدان و مردم برگزار می‌شود. در این مراسم، دو موبد، به‌عنوان زوت و راسپی، آیین آفرینگان را به‌جای می‌آورند و بقیه موبدان و مردم دور تا دور تالار قرار می‌گیرند. هم‌چنین، سه آفرینگان به نام ایزدان آردیبهشت، دهمان و سروش خوانده می‌شود و، در پایان، با خواندن «آفرین ریتوین»، آیین هم‌آزور انجام می‌شود.

در ایران نیز ریتوین را با مراسم ویژه‌ای می‌شناختند که همه بهدینان در روزهای آغازین سال نو آن را برگزار می‌کردند. زرتشتیان در این روزها از ساعت ۱۲ تا ۳ پس از نیم‌روز، یعنی در گاه ریتوین، در پرهیز کامل تنها به خواندن *اوستا* و نیایش می‌پرداختند.^{۲۶} موبدان نیز یسنای ریتوین را در روز آردیبهشت در درب مهر به‌جای می‌آوردند که اکنون از یادها رفته است.^{۲۷}

تا چهل سال پیش، در روستای شریف‌آباد یزد، مراسم ویسپردخوانی برای ایزد ریتوین برگزار می‌شد، ولی موبدان این مراسم را به‌جای روز آردیبهشت، در روز خرداد، که به‌نام جشن «هفدُرو» شهرت داشت، برگزار می‌کردند؛ شاید به این دلیل که موبدان در روزهای آغازین سال هنوز در حال برگزاری آیین‌های باقیمانده از جشن فروردیگان بودند و یا شاید به‌دلیل ارزش معنوی روز ششم فروردین.

جشن سده نیز، مانند جشن ریتوین، با اسطوره ایزد ریتوین در ارتباط است. زرتشتیان امروز ایران دو تاریخ برای برگزاری سده دارند. گروهی از بهدینان این جشن را در روز آشتاد از ماه آذر برگزار می‌کنند، دقیقاً صد روز پیش از اولین روز فروردین و بازگشت دوباره این ایزد بر روی زمین. این جشن، در روستاهای مختلف یزد، نام‌های گوناگونی دارد. زرتشتیان روستای شریف‌آباد و مزرعه کلانتر آن را «هیرمبا»، زرتشتیان روستای خرمشاه یزد آن را «شاخ شاخ دُرَبند»، و اهالی اله‌آباد آن را «هیبیدگ» می‌نامند. اکنون تنها جشن هیرمبا هر سال در روستای شریف‌آباد و در زیارتگاه پیرهریشت برگزار می‌شود و از دو جشن دیگر تنها نامی در یاد زرتشتیان خرمشاه و اله‌آباد باقی مانده است.

زرتشتیان کرمان، تهران، و بیش‌تر زرتشتیان یزد جشن سده را در تاریخ دهم بهمن بنا بر تقویم رسمی^{۲۸} برگزار می‌کنند که برابر با روز شانزدهم بهمن و روز مهر در تقویم زرتشتی است؛ اما در بیش‌تر منابع تاریخی فارسی و عربی، روز آبان (دهم بهمن در تقویم زرتشتی)

به‌عنوان روز جشن سده یاد شده است، از جمله در *التفهیم آمده است*: «سده آبان روز است از بهمن ماه و آن دهم بهمن بود و اندر شبش که میان روز دهم است و میان روز یازدهم، آتش‌ها زنند...» (*التفهیم*، ۱۳۵۳: ۲۵۷).

روز آبان از ماه بهمن، دقیقاً صد روز پس از روز اورمزد و نخستین روز ماه دی است که ایزد ریتوین به زیر زمین می‌رود تا در زمستان سرد، گرمی و حیات را در چشمه‌های آب و ریشه‌های گیاهان پاسداری کند. به‌نظر می‌رسد قدمت تاریخ کنونی جشن سده، با توجه به قدمت تقویم رسمی، کم‌تر از هشتادسال باشد و چون روز آبان از ماه بهمن، مطابق با چهارم بهمن در تقویم رسمی می‌شد، این تغییر را ایجاد کردند.

نتیجه‌گیری

ایزد ریتوین را به‌درستی می‌توان «ایزد موکل بر زمان آرمانی» نام داد، حقیقتی که هم در متون دینی زرتشتیان و هم در آیین‌های ایشان بازتاب یافته است. پیوند ایزد ریتوین با آتش، نور و گرما، که از مهم‌ترین رموز دین زرتشتی است، به‌روشنی در خویشکاری‌های این ایزد در هر دو جهان، گیتی و مینو، تجلی یافته است و اهمیت او را یادآوری می‌کند.

در پرتو این نگاه، ارزش آیینی جشن ریتوین و جشن سده روشن می‌شود. به‌نظر می‌رسد که نخستین جشن را باید، در ادامه جشن‌های گاهنبار، جشن آفرینش آتش توسط اهورامزدا به‌شمار آورد و مناسبت جشن سده را روز کشف این آفریده اهورایی توسط انسان دانست.

می‌دانیم که آتش‌افروزی در زمستان یکی از رسوم ملل مختلف جهان بوده و در ایران نیز در اوقات گوناگون سال برگزار می‌شده است؛ اما به‌نظر می‌رسد، نزد زرتشتیان، آتش‌افروزی زمستانی وظیفه‌ای دینی بوده و برای یاری رساندن به ایزد ریتوین برگزار می‌شده است.

به‌جز دو جشن سده، یکی در ماه آذر و دیگری در ماه بهمن، به آتش‌افروزی دیگری نیز در بندهش اشاره شده است که پس از رفتن ایزد ریتوین به زیر زمین و «در ماه دی بهیزگی، [زمانی که] زمستان به بیش‌ترین سردی به ایرانویج رسد» برگزار می‌شده است (بهار، ۱۳۶۹: ۱۰۶). اگر این جشن را نیز همچون بقیه جشن‌های باستانی، مانند گاهنبارها، ریتوین، نوروز و سده، پنج روزه به‌شمار آوریم، زمان برگزاری آن از روز نهم تا چهاردهم دی ماه در تقویم ایران باستان و دقیقاً در میانه زمستان پنج ماهه بوده است.

پی‌نوشت

۱. مزدیسنی، در زبان اوستایی -mazdayasnya- به معنی «پرستندهٔ مزدا»، نامی است که پیروان اشوزرتشت برای خویش برگزیده‌اند.
۲. در دین زرتشتی، شبانه‌روز به پنج بخش زمانی که «گاه» نام دارد، تقسیم می‌شود: گاه هاوَن (اوستایی: -hāvani)، از سپیده دم تا نیم‌روز؛ گاه رَپیتوین (اوستایی: -rapiθwina)، از نیم‌روز تا سه ساعت پس از آن؛ گاه اوزیرَن (اوستایی: -uzayeirina)، از ساعت سه پس از نیم‌روز تا فرورفتن آفتاب؛ گاه اُئیوی سروثریم (اوستایی: -aiwisrūθrima)، از فرورفتن آفتاب تا نیمه‌شب؛ گاه اُشْهین (اوستایی: -ušahina)، از نیمه‌شب تا سپیده‌دم. رَپیتوین از واژهٔ اوستایی -rapiθwina- صفت از اسم مؤنث -rapiθwā-، به معنی «ظهر»، اشتقاق یافته است (Bartholomae, 1961: 1509) مقایسه کنید با واژهٔ اوستایی -arəm.piθwā- به معنی «زمان آماده شدن خوراک»، یعنی هنگام ظهر (ibid:189).
۳. ← راشد‌محصل، ۱۳۷۰: ۱۷ و میرفخرایی، ۱۳۶۷: ۵۸-۶۰؛ برای آگاهی بیش‌تر دربارهٔ نقش اساطیری و آیینی ایزد رَپیتوین ← آموزگار، ۱۳۸۶: ۳۹۴-۴۰۵؛ Boyce, 1969: 201-215.
۴. ارتباط ایزد رَپیتوین با رستاخیز سبب شده است که برخی مستشرقان برای این ایزد به‌دنبال همتایی اسطوره‌ای یا حماسی نیز باشند. کراسنولسکا (۱۳۸۲: ۱۴۲) معتقد است «بین رَپیتوین در عقاید زرتشتی و صورت‌های حماسی اسطورهٔ مرگ و رستاخیز سیاوش با بازگشت قهرمان فصلی و با گیاهان و آتش روابط متقابلی وجود دارد». وی داستان رَپیتوین را صورت زرتشتی اسطورهٔ بسیار کهن مرگ و سپس رستاخیز محصولات گیاهی می‌داند که در آن هر پاییز ایزد نگاهبان محصول به زیر زمین رفته و در بهار دوباره بیرون می‌آید؛ و داستان سیاوش نیز گونهٔ حماسی همین اسطوره است که بیش‌تر در ماوراءالنهر شکل گرفته و در سغد و خوارزم به‌شکل سنتی رسمی درآمده است (همان: ۱۲۸) و کیخسرو قهرمان رستاخیزی این داستان است که منظرهٔ زاده‌شدن او، که تولد نور از دل تاریکی را تداعی می‌کند، شاید یادآور جشن سده باشد (همان: ۱۳۳-۱۳۴). در حماسهٔ سیاوش و کیخسرو، بین قتل مظلومانهٔ سیاوش و آیین‌های سوگواری برای او با اسطورهٔ رَپیتوین و سفر زندگی‌بخش این ایزد به زیر زمین، برای گرم نگاه داشتن آب‌ها و ریشه‌های درختان، هم‌خوانی وجود ندارد؛ گرچه شخصیت کیخسرو به‌عنوان یکی از جاودانان و قهرمان رستاخیزی پذیرفته است. به‌نظر می‌رسد این مقایسه را از جنبه‌های دیگری باید انجام داد که در این‌جا مجال آن نیست.
۵. اوستایی: -arštāt-، فرشتهٔ راستی و عدالت، نام روز بیست‌وششم ماه در تقویم زرتشتی.
۶. در تقویم زرتشتی (شامل دوازده ماه سی‌روزه)، پنج روز آخر سال که هم‌زمان با آخرین جشن گاهنبار یعنی گاهنبار هَمَس‌پَت‌مَدَم است، به نام پنج بخش گاهان، سرودهای مقدس اشو زرتشت خوانده می‌شوند: اَهَنوَد، اُشَتوَد، سِپَتَمَد، و هُوخْشَتَر، و هِیشَتوایشَت.

۷. در *گزیده‌های زادسپرم* (راشدمحصل، ۱۳۸۵: ۱۰۸) این حقیقت این گونه وصف می‌شود:
 ... خاصان و رازداران او آشکار شوند، همانندی ایشان مانند خورشید، ماه و ستارگان بزرگ و کوچک است؛ که به گرفتن روشنی، یعنی پرهیزکاری یکسان‌اند، اما [اندازه] روشنی ایشان یعنی نیکی [به میزان] خویشکاری است و یکسان نیست.
۸. در *اوستا* (یسنا، قطعه ۳۶/۶)، از روشنی‌ها به‌عنوان زیباترین تجلی از تجلیات سپتته‌مینو، آن هنگام که خورشید به‌وسیلهٔ اهورامزدا آفریده‌شد، نام برده می‌شود (میرفخرایی، ۱۳۸۲: ۴۷).
۹. ایزد ریتوین در آغاز تابستان بزرگ (هفت‌ماهه) به روی زمین می‌آید و در آغاز زمستان بزرگ (پنج‌ماهه) به زیر زمین می‌رود تا ریشهٔ درختان و آب‌های زیرزمینی را گرم نگاه دارد (بهار، ۱۳۶۹: ۱۰۶).
۱۰. در روایات داراب هرمزیار (Unvala, 1922: Vol. 1/32, 2/23)، جهت نیم‌روز (جنوب) ریتوین نامیده شده‌است.
۱۱. در *بندهش آمده‌است*: «تابستان را بن‌کده به نیم‌روز است که کشور فردکدش و ویدکدش است» (بهار، ۱۳۶۹: ۱۰۶)؛ یا در جایی دیگر: «هنگامی که از سوی نیم‌روز تابستان درآید، زمستان به اباختر (شمال) سوی بازتازد» (همان: ۱۲۵).
۱۲. در کتاب *وجرکرد دینی آمده‌است* که زرتشت هنگامی که از رود وه‌دایتی می‌گذشت، مردی مینوی منظر را از سوی نیم‌روز به چشم دید، او بهمن بود با این پیام که: «ای زرتشت، از آب وه‌دایتی زود برو تا چیزهای مینوی و ورج و فره اورمزد را ببینی. چه من بهمن هستم و تو پیامبر آفریدگار مهربانی» (آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۲: ۱۶۵).
۱۳. این روشنی، بلندترین در میان بلندی‌ها [و روشنی‌های بلند] (پورداد، ۱۳۵۶: ۳۴/۲، ۱۰۴).
۱۴. او روز را نیز به‌طور متوسط هر یک به پنج هنگام بخش کرد، بر هر هنگامی مینوی گمارد چنان‌که بامدادگاه را هاون مینو، نیم‌روز گاه را ریتوین مینو، ... او اینان را نیز به همکاری (امشاسپندان و ایزدان) بخش کرد؛ زیرا او هاون را به مهر، ریتوین را به اردیبهشت ... برای همکاری گماشت (بهار، ۱۳۶۹: ۵۰).
۱۵. ← Shaked, 1979: 30 در این قطعه چنین آمده‌است: «اردیبهشت هفت ماه در گیتی و پنج ماه در مینو [است] و در پنج ماه، که در مینو [است]، به مینوی در تن گیاهان نشیند و ریشه را پاید و پرورد و افزایش دهد و در آن پنج ماه گیاه را بیافریند. و در آن هفت ماه، که در گیتی است، از تن گیاهان بیرون آید و گیاه جوانه زند و شکوفه دهد و میوه دهد. به این سبب که ریتوین که زمان [سروری] اردیبهشت ایزد [است]، هفت ماه در سال آشکار [است] و پنج ماه نیست».
۱۶. «سه‌دیگر از مینویان اردیبهشت است. او از آفرینش مادی آتش را به خویش پذیرفت. به یاری و همکاری او آذر، سروش، بهرام و نریوسنگ داده شدند ...» (بهار، ۱۳۶۹: ۴۹).

۱۷. «خواستار ستائیدنم ریتوین پاک و رد پاکی را، خواستار ستائیدنم فرادت فشو و زنتوم پاک و رد پاکی را، خواستار ستائیدنم اردیبهشت و آذر اهورامزدا را».
۱۸. در متون دوره اسلامی، روایات گوناگونی درباره سبب افروختن آتش در جشن سده آمده است؛ در یکی از این روایات، جشن سده به فریدون و پیروزی او بر ضحاک نسبت داده شده است. در این روایت جشن سده به یاد آتشی بر پا می شود که جوانانی که از ظلم ضحاک جان به در برده و در کوه دماوند پناه گرفته بودند افروختند تا فریدون از جای آن‌ها آگاهی یابد (التفهیم، ۱۳۵۳: ۲۵۷-۲۵۸؛ زین‌الاحبار، ۱۳۸۴: ۳۵۴، روضة‌المنجمین، ۱۳۶۸: ۳۷؛ میبدی، ۱۳۶۲: ۱۰۱). روایتی دیگر بنیان‌گذاری جشن سده را به هوشنگ شاه نسبت داده است (فردوسی، ۱۳۸۴: ۳۰/۱؛ میبدی، ۱۳۶۲: ۱۰۱). هوشنگ، پادشاه پیشدادی، در هنگام شکار به ماری برخورد، سنگی به سوی مار پرتاب کرد تا او را از بین ببرد، اما سنگ به سنگ دیگری خورد و بوته‌ها آتش گرفت؛ هوشنگ شاه، به یمن یافتن این پدیده ایزدی، جشنی برپا کرد و نام آن را سده گذاشت. شب آمد برافروخت آتش چو کوه/ همان شاه در گرد او با گروه/ یکی جشن کرد آن شب و باده خورد/ سده نام آن جشن فرخنده کرد/ ز هوشنگ ماند این سده یادگار/ بسی باد چون او دگر شهریار (شاهنامه، ۱۳۸۴: ۳۰/۱).
۱۹. در کتاب‌های پهلوی و فارسی زرتشتی، از شش فریضه نام برده شده است که انجام دادن آن‌ها بر هر فرد زرتشتی واجب است و، اگر در انجام آن‌ها غفلت و کوتاهی از او سرزند، باید در هنگام داوری بر سر پل چینود پاسخ‌گو باشد. این شش فریضه عبارت‌اند از: گاهنبار، فروردیگان، ستوش و مراسم درگذشتگان، ریتوین، خواندن خورشیدنیایش سه بار در روز و خواندن ماه‌نیایش سه بار در ماه (مزداپور، ۱۳۶۹: ۱۶۳-۱۶۴، ۱۷۳؛ Unvala, 1922: 1/296-297).
۲۰. سه آفرینگان یادشده، همراه با آفرینگان دهمان، ویژه مراسم واجب‌اند و به ترتیب در ده روز فروردیگان (گاهنبار ششم)، گاهنبارها، مراسم ریتوین و مراسم درگذشتگان خوانده می‌شوند. به‌جز این چهار آفرینگان، آفرینگان‌های دیگری نیز وجود دارد که در برخی از کتاب‌های خرده اوستا آمده است، از جمله: آفرینگان دادار اورمزد، آفرینگان فرشتگان یا ایزدان، آفرینگان سیروزه، آفرینگان آردافروش، آفرینگان سروش، آفرینگان مینوناور/ نوناور (پورداد، ۱۳۱۰: ۲۲۶).
۲۱. در سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۸۷ خورشیدی، اول فروردین بنا بر تقویم قدیم زرتشتیان (تقویم بدون کیسه) برابر با سی‌ام تیرماه در تقویم رسمی و در سال ۱۳۸۸ خورشیدی برابر با بیست و نهم تیرماه بود.
۲۲. فروردیگان یا فروردگان نام آیینی است که در ده روز آخر سال و در آستانه سال جدید برای بزرگداشت فروشی درگذشتگان برگزار می‌شود. پنج روز دوم این جشن برابر با گاهنبار ششم یا همس پت‌مدم است.

۲۳. برای شرح این مراسم ← مزداپور، ۱۳۸۳: ۱۶۸-۱۶۹؛ Boyce, 1977: 227-229.
۲۴. در بیش‌تر رسم‌های آیینی که در آتشکده با حضور بیش از یک موبد انجام می‌شود، موبدان باید با یکدیگر هم‌پیوند شوند. در مراسم ریتون، موبدان پارسی با گرفتن گوشه‌ای از سدره یکدیگر هم‌پیوند می‌شود. در ایران با گرفتن دو سر کشتی یا گرفتن دست یکدیگر این آیین انجام می‌شود.
۲۵. مراسم آفرینگان خوانی یکی از رسم‌هایی است که در بیرون از آتشکده برگزار می‌شود. در این مراسم، پس از خواندن مقدمه‌ای به زبان پازند، نیایش‌هایی به نام آفرینگان خوانده می‌شود که متن آن در کتاب خرده/وستا موجود است (پورداود، ۱۳۱۰: ۲۲۴-۲۴۸).
۲۶. معمولاً زرتشتیان سه روز اول فروردین یعنی روز اورمزد تا آردیبهشت را «روزه ریتون» نگاه می‌داشتند. به این معنا که ساعت ۱۲ تا ۳ پس از نیمروز، بی‌آن‌که چیزی بخورند، حرفی بزنند یا حتی حرکت اضافه‌ای انجام دهند، به خواندن/وستا می‌پرداختند. برخی زرتشتیان این آیین را تا پنج روز ادامه می‌دادند (مزداپور، ۱۳۸۳: ۱۵۶؛ Boyce, 1969: 210). گفت‌وگوی شفاهی نگارنده با گوهر بهرام، ۹۰ساله، در سال ۱۳۸۷). کیخسرو شاهرخ، از پنج روز آغازین سال، با عنوان «روزه ریتون» نام برده است که در این روزها بهدینان «به گاه اویژه تن و جان خود را از خوردن و آشامیدن و آمیزش به هرگونه پلیدی و آسایش تن و جانی و کارهای جهانی دور و پاک دارند» (شاهرخ، ۱۳۳۹: ۹۲).
۲۷. بنابر روایات داراب هرمزیار (Unvala, 1922: Vol. 1/316-317)، یشت ریتون در روز اورمزد یا آردیبهشت، از ماه فروردین، به‌جای آورده می‌شد و آفرینگان آن یک بار در روز خرداد (برای خوش آمدگویی) و بار دیگر در روز مانتره‌سپند و مهرماه (برای وداع) خوانده می‌شد. اکنون در روز خرداد از ماه فروردین جشنی به نام «هفدُرو» برگزار می‌شود که در قدیم، در این جشن، نخست و سپردخوانی و پس از آن آفرینگان ریتون برگزار می‌شده است (برای مراسم این جشن ← Boyce 1977: 229-235).
۲۸. منظور تقویم رسمی کنونی ایران است که در تاریخ ۱۳۰۴ خورشیدی به تصویب مجلس شورای ملی رسید و بر اساس آن شش ماه نخست سال سی‌ویک روز، پنج ماه دوم سی روز و ماه آخر بیست و نه روز دارد.

منابع

- آموزگار، ژاله (۱۳۸۶). «ایزدانی که با سال نو به زمین بازمی‌گردند»، *زبان فرهنگ و اسطوره* (مجموعه مقالات)، تهران: معین.
- آموزگار، ژاله و احمد فضل‌لی (۱۳۷۲). *اسطوره زندگی زردشت*، تهران: چشمه.

- بهار، مهرداد (۱۳۶۹). بندهش، تهران: توس.
- پورداد، ابراهیم (۱۳۱۰). *خرده‌اوستا*، بمبئی: انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی و انجمن ایران لیگ بمبئی.
- پورداد، ابراهیم (۱۳۵۶). *یسنه*، ۲ ج، تهران: دانشگاه تهران.
- التفهیم لاوائل صناعه التنجیم ابوریحان بیرونی (۱۳۵۳). *تعلیقات جلال‌الدین همایی*، تهران: انجمن آثار ملی.
- راشدمحصل، محمدتقی (۱۳۷۰). *زند بهمن یسن*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- راشدمحصل، محمدتقی (۱۳۸۵). *وزیادگی‌های زادسیرم*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- روضه‌المنجمین رازی (۱۳۳۸). *با مقدمه جلیل اخوان زنجانی*، تهران: مرکز انتشار نسخ خطی.
- زین‌الخبار گردیزی (۱۳۸۴). *به‌کوشش رحیم رضازاده ملک*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- سروشیان، جمشیدسروش (۱۳۵۶/۲۵۳۶). *فرهنگ بهدینان*، تهران: دانشگاه تهران.
- شاهرخ، کیخسرو (۱۳۳۹ق). *آیین‌آیین مزدیسنی*، بمبئی.
- شاهنامه فردوسی (۱۳۸۴). *به‌کوشش جلال خالقی مطلق*، ۸ ج، نیویورک.
- کراسنولسکا، آنا (۱۳۸۲). *چند چهره کلیدی در اساطیر گاهشماری ایرانی*، ترجمه ژاله متحدین، تهران: نشر ورجاوند.
- گنون، رنه (۱۳۸۴). *سیطره کمیت و علائم آخر زمان*، ترجمه علیمحمد کاردان، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- مزدایور، کتیون (۱۳۶۹). *شایست ناشایست*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مزدایور، کتیون (۱۳۸۳). «تداوم آداب کهن در رسم‌های معاصر زرتشتیان در ایران»، *فرهنگ*، س ۱۷، ش ۴۹-۵۰.
- مقدم، محمد (۱۳۶۳). *داستان جم*، تهران: فروهر.
- میبدی، علی بن محمد علی (۱۳۶۲ق). *بذیع اللغه*، بی‌جا: بی‌نا.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۶۷). *روایت پهلوی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۸۲). *بررسی هفت‌ها*، تهران: فروهر.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۸۶). *هادخت نسک*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Antia, E. K. (1909). *Pāzend Text*, Bombay.

Bartholomae, C. (1961). *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin.

Boyce, M. (1969). "Rapithwin, Nō Rūz and the Feast of Sade", *Pratidanam*, The Hague.

Boyce, M. (1976). "The Two Dates of the Feast of Sada", *Farhang-e Iran-Zamin*, 21.

Boyce, M. (1977). *A Persian Stronghold of Zoroastrianism*, Oxford.

Modi, J. J. (1995). *The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees*, 2nd (edn.), 2nd (Reprint), Bombay.

Shaked, S. (1979). *The Wisdom of the Sasanian Sages, (Dēnkart VI)*, Persian Heritage Series, 34, Boulder. Colorado.

Unvala, M. R. (1922). *Dārāb Hormazyār's Rīvāyat*, 2 Vol, Bombay.